

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طـــــــنــــز



## خیل و خنک شیطان

ترک دنیا کرده سیمین ، استخاره میکنه  
چادر شرم و حیا را ، پاره پاره میکنه  
نزد مسکینار رفته ، تابگیره ساعتی  
تیم میته بر ( وثیق ) و ، بدقواره میکنه  
گه گهی داره کلنگ ، عذر و زاری ، گاه گاه  
اشک تمساحی ز چشمانش فواره میکنه  
دالر و کلدار و پوند و اوپرو و دینار را  
روی میزش مانده و خپ خپ اشاره میکنه  
بندل چک را کشیده ، سوز می ته ، ناقصی  
مهر و امضای عربهارا ، قطاره میکنه

میگه با خیل و خُتک ، ما را پذیرا، گر شوی  
مشکلت را ، آنچه دزدیدیم ، چاره میکنه  
سی دی ها و ، آدرس و ، اوراق اعلاناتِ او  
با همه اسناد ، عالم را شکاره میکنه  
کارِ ما دزدی نباشد ، بل جهادِ اکبرست  
فی السبیل الله به نامِ حق ، کفاره میکنه  
گه سخن از ( ارشد ارشاد ) و از ( سیرت ) گهی  
دهل ( فضلوی غنی ) را هم نغاره میکنه  
از ( خبیث الله ) و از ( ملا رؤوف ) ناخلف  
پشتیبانی ، چون پیاده ، از سواره میکنه  
با هزاران فتنه و نیرنگ و با چال و فریب  
بر سر ( مسکین ) ، کلاهی از تغاره میکنه  
تا که پیمان ( دیانت ) با ( سیاست ) بسته شد  
غداره- پیکان پهن و بزرگ شرط ( مسکینیار ) لنگر ، چون غداره میکنه  
روز سوم لنگر ( سیمین ) شده سنگین و گفت  
باندِ ما ، کی با ( وثیقی ها ) گذاره میکنه  
روزشش ساعت به نرخ چار ساعت گر دهی  
از ترور و اختطاف ، حفظت هماره میکنه  
ورنه خواهم از ( نجیب کابلی ) و از ( فهیم )  
اختطافت در وطن یا ، در طیاره میکنه  
گر بخواهم از خدا ، بس نقرس و باد و قُنَج  
با فشار و با خُتج ، دُورت قطاره میکنه  
ور به کرزی گویمت ، شاید چو ربانی شوی  
اشتباه بر او ، پیاده نه سواره میکنه  
هرکسی میگه ، که ربانی ره گُشته طالبان  
( کرزی ) و ( اوبامه ) ره ، بیجا ، کناره میکنه  
این پلان ( کبچه مار ) و ( زنگی ) و ( مار سیه )  
کرزی و ، زرداری و ، اوبامه واره میکنه  
قاتل اصلی ، عجب دامِ سیاسی شانند و خود

نزد بادرش ، ز امریکه نظاره می‌کنه  
( پکه برقی ) چنان مُردار و لنگ وردار شد  
نوبت ( سیاف ) و ( گلبدین ) ، تیاره می‌کنه  
( کرزیک ) حالا سیاسی گشته چون بادر خود  
هرکه را گر خواست ، ساده ، انفجاره می‌کنه  
پس بیبا ، روزانه شش ساعت بده و فخر کن  
تا خدا اجرش برایت ، صدهزاره می‌کنه  
حال ، حرف از مهره اصلی به خدمت میرسه  
آنکه از دین و سیاستها ، تجاره می‌کنه  
از حرام نطفه شیطان ، مُلا زاده شد  
پرورش در دامن فحشا جساره می‌کنه  
لیک ، از نیرنگ ابلیس انگلیس و عرب  
بر تن ملا ، لباس استعاره می‌کنه  
از پدر انگلیس و از مادر عرب ، اما خودش  
چوچه شیطان ، جهنم را اجاره می‌کنه  
آن ( خر دجال زاده ) ، حال ( ملا زاده شد )  
آتش تفریق ، بی هیزم ، شراره می‌کنه  
در میان شیعه و سنی ، نفاق انداخته  
تحت و ماتحت خوده ، بیهوده پاره می‌کنه  
این حرامی زاده کو ، از دامن غر زاده شد  
رول خود را خوب بازی ، با مهاره می‌کنه  
در حقیقت ، پشت پرده ، دشمن نامرد ما  
خفته پاکستان و از اینها ، تجاره می‌کنه  
زانکه دین و مذهب این دالخوران کثیف  
راهنمائی ترور و ، انتحاره می‌کنه  
ای یکایک بنده های ( حضرت سیمین لچر )  
کفر تان قهر خدا را ، آشکاره می‌کنه  
ای مهاجر زاد و ای سادات و ای ملا رؤوف  
قهر یزدانی شما را هم حقاره می‌کنه

قشقه پيشانی ارشاد را ، دانی ز چيست  
مهر شيطانی به تقدیرش آماره ميکنه  
اینهمه نیرنگ اعرابست و ، چال اجنبی  
جراره-گزدم سمی و زهدار تربیت ، بر جان ما ، مار و جراره ميکنه  
لیک « نعمت » خامه اش را بر وطنداران سپر  
خُشاره- مردم پست و فرومایه بر ضد اشرار و هار و هر خُشاره ميکنه